

تهیه و تنظیم: صالحه اخگری

نکاتی در مورد جمله ی ساده و اجزای آن

در این مطلب قصد داریم نکاتی در مورد جمله ی ساده و اجزای آن را مطرح کنیم تا شما بتوانید در کنکور راحت تر به این گونه سوالات پاسخ گو باشید به امید موفقیت روزافزون شما در تمامی مراحل آموزشی .

جمله ی مستقل : ۱- ساده ۲- مرکب

جمله ی ساده : جمله ی مستقلی که یک فعل دارد . مثال: کودک به مادرش خندید .

جمله ی مرکب : جمله ی مستقلی که بیش از یک فعل دارد . مثال : من به مدرسه رفتم تا دوستم را ببینم .

نکته ی ۱) اجزای اصلی جمله عبارت اند از : **نهاد محذوف یا غیر محذوف** ، **مفعول** ، **متمم فعلی** ، **مسند** ، **فعل**

نکته ی ۲) جمله با توجه به فعل آن دارای اجزای مختلفی است (فعل جمله ممکن است گذرا یا ناگذر باشد):

انواع جمله	اجزا	مثال
جمله ی دو جزئی	نهاد + گزاره (فعل ناگذر)	گل شکفت . / رفتیم . / خواهیم آمد.
جمله ی سه جزئی (با فعل گذرا)	۱- با مفعول ۲- با مسند ۳- با متمم	۱- دانش آموز درس را آموخت . ۲- هوا گرم شد. ۳- من به مدرسه رفتم .
جمله ی چهار جزئی (با فعل گذرا)	۱- با مفعول و متمم ۲- با مفعول و مسند ۳- با متمم و مسند ۴- دو مفعولی	۱- من تاریخ معاصر را به او یاد دادم . ۲- باران هوا را سرد گردانید. ۳- مردم به او عادل می گفتند . ۴- مادر کودک را غذا داد .
جمله ی استثنایی	۱- یک جزئی بی فعل ۲- دو جزئی بی فعل ۳- سه جزئی بی فعل	۱- سلام ، افسوس ، به امید دیدار ۲- عیدتان مبارک ، نوروزتان پیروز ، خداحافظ ۳- موفقیت یعنی خوشبختی (« یعنی » در این گونه جملات معنی « است » می دهد: موفقیت خوشبختی است .)

مثال کنکور سراسری سه سال اخیر :

۱- در کدام عبارت **جمله ی دو جزئی** (ناگذر) یافت می شود؟

- ۱ قرآن می خواندند و می گفتند: ای کتاب مقدس، ما نسبت به تو وفادار بودیم و در برابر تو جان خود را فدا خواهیم کرد.
- ۲ به انتظار دمیدن آخرین سپیده ی زندگی و افتخار آمیزترین روز عمر نشسته بودند و صوت قرآنشان روح نواز ملکوتیان بود.
- ۳ در برابر آفریدگار هستی و عظمت آفرینش، برای آخرین بار چهره به خاک ساییدند و هم چون زمزمه ی زنبوران کندو در ذکر خدا غرق شدند.

۴ کم کم بوته های خار در کنار و گوشه ی دشت سایه می انداختند و فروغ بی رنگ مهتاب به آرامی پهن می گشت و خاک های غم آلود بیش تر روشنی را به خود می گرفتند.

۱- گزینه ی ۲

به انتظار دمیدن آخرین سپیده ی زندگی و افتخار آمیزترین روز عمر (متمم قیدی) نشسته بودند: **دوجزئی (ناگذر)**

صوت قرآنشان روح نواز ملکوتیان بود: سه جزئی گذرا به مسند .

توضیحات :

در گزینه ی ۲ «نشستن»، از فعل های ناگذری است که جمله ی دو جزئی می سازد. در گزینه ی ۱، می خواندند و می گفتند از افعال گذرا به مفعول است، بودیم فعل اسنادی و از افعال گذرا به مسند است، فدا کردن فعل مرکب و گذرا به مفعول است. در گزینه ی ۳ ساییدن از افعال گذرا به مفعول و متمم است. شدند از افعال اسنادی و گذرا به مسند است، در ذکر خدا متمم اسم غرق است. در گزینه ی ۴، انداختن از افعال گذرا به مفعول است، در کنار و گوشه ی دشت متمم قیدی است. می گشت از افعال اسنادی و پهن مسند است، به آرامی متمم قیدی است و می گرفتند گذرا به مفعول است و به خود متمم قیدی است و قابل حذف است.

۲- با توجه به متن:

«ادبیات پایداری چهره ی انسانی عامی دارد و به هنگام ترسیم اشکال مختلف تضادهای زندگی انسان، در هیچ قالب ملی یا چارچوب اجتماعی خاص نمی گنجد. شعر و داستان مقاومت، مرزهای قومی را می شکافد و مخاطب آن ژرفای وجدان عام بشری است.» اجزای تشکیل دهنده ی جملات به ترتیب کدام است؟

- ۱ سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مسند
- ۲ سه جزئی گذرا به متمم، چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم، سه جزئی گذرا به مفعول، دو جزئی (ناگذر)
- ۳ سه جزئی گذرا به متمم، سه جزئی گذرا به متمم، چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم، سه جزئی گذرا به مسند
- ۴ سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به متمم، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مسند

۲- گزینه ی ۴

ادبیات پایداری چهره ی انسانی عامی دارد: **سه جزئی گذرا به مفعول**
در هیچ قالب ملی یا چارچوب اجتماعی خاص نمی گنجد: **سه جزئی گذرا به متمم**
شعر و داستان مقاومت، مرزهای قومی را می شکافد: **سه جزئی گذرا به مفعول**
مخاطب آن ژرفای وجدان عام بشری است: **سه جزئی گذرا به مسند**

توضیحات :

فعل **دارد** در جمله ی اول نیازمند **مفعول** است. عبارت « به هنگام ترسیم اشکال مختلف تضادهای زندگی انسان » **متمم قیدی** است که قابل حذف است. در جمله ی دوم **گنجیدن** دارای حرف اضافه ی اختصاصی است پس فعل **متمم فعل** دارد. **شکافتن** در جمله ی سوم گذرا به مفعول است. **است** در جمله چهارم **فعل اسنادی** است.

۳- با توجه به متن زیر:

«پشت پنجره ایستاده بود و میله های آهنی را با دست هایش می فشرد. مثل بچه ای دو سه ساله، لب برچیده بود. چشم های پر بغض و کینه اش به دیوار نوساز، به بنا و عمله ها خیره شد. هر چه از او می خواستند یا هر چه از او می پرسیدند، همه را نشنیده می گرفت.» اجزای تشکیل دهنده ی جمله ی اول، دوم، سوم و ششم به ترتیب کدام است؟

- ۱ دو جزئی (ناگذر)، چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مفعول
- ۲ دو جزئی (ناگذر)، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مفعول، چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم
- ۳ سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مسند، چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم
- ۴ سه جزئی گذرا به مسند، چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم، چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند، سه جزئی گذرا به مفعول

۳- گزینه ی ۲

جمله ی اول: پشت پنجره (قید)، ایستاده بود (فعل ناگذر) ← **جمله ی دو جزئی**
جمله ی دوم: میله های آهنی را (مفعول)، با دست هایش (متمم قیدی)، می فشرد (فعل گذرا به مفعول) ← **جمله ی سه جزئی گذرا به مفعول**
جمله ی سوم: مثل بچه ای دو سه ساله (متمم قیدی)، لب (مفعول)، برچیده بود (فعل گذرا به مفعول) ← **جمله ی سه جزئی گذرا به مفعول**
جمله ی ششم: هر چه (مفعول)، از او (متمم)، می پرسیدند (فعل گذرا به مفعول و متمم) ← **جمله ی چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم**

توضیحات: در جمله ی اول **نهاد محذوف (او)** است و جمله شامل **نهاد محذوف و ایستاده بود** فعل ساده و ماضی بعید است و جمله دو جزئی است. در جمله ی دوم فعل **فشردن** گذرا به مفعول است و متمم قیدی با دست هایش جزء اجزاء جمله محسوب نمی شود. در جمله ی سوم **برچیده بود** فعل پیشوندی و ماضی بعید و گذرا به مفعول است. در جمله ی ششم **پرسیدن** از افعال گذرا به مفعول و متمم است و نیازمند حرف اضافه ی اختصاصی و حرف نشانه ی را است.

- ۴- عبارات «نقش ها و رنگ ها، گویی بیننده را زیر بغل می زنند و با خود می برند، سبک و آرام، احساس سرگیجه ای لطیف است، و به همراه شمشه ها و دایره ها و مقرنس ها گویی بر پله های ابر پا نهاده ای» چند جمله است؟ اجزای اصلی هر جمله به ترتیب کدام است؟
- ۱ چهار - چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند، سه جزئی گذرا به مفعول، دو جزئی ناگذر، سه جزئی گذرا به متمم
 - ۲ چهار - سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به مفعول
 - ۳ پنج - سه جزئی گذرا به متمم، سه جزئی گذرا به مفعول، دو جزئی ناگذر، دو جزئی ناگذر، سه جزئی گذرا به متمم
 - ۴ پنج - سه جزئی گذرا به مفعول، دو جزئی ناگذر، دو جزئی ناگذر، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مفعول

۴- گزینه ی ۲

عبارات چهار جمله است.

جمله ی اول: «نقش ها و رنگ ها» نهاد، «بیننده را» مفعول، «زیر بغل می زنند» فعل ← **جمله ی سه جزئی گذرا به مفعول**
جمله ی دوم: نهاد و مفعول حذف شده اند، «می برند» فعل ← **جمله ی سه جزئی گذرا به مفعول**

جمله‌ی سوم: «-» نهاد، «احساس سرگیجه‌ای لطیف» مسند، «است» فعل ← **جمله‌ی سه جزئی گذرا به مسند**
جمله‌ی چهارم: «-» نهاد، «پا» مفعول، «نهادهای» فعل ← **جمله‌ی سه جزئی گذرا به مفعول**

توضیحات :

زیر بغل می زند فعل مرکب و گذرا به مفعول است برای تشخیص فعل مرکب از فعل ساده باید به این نکته توجه داشت که جز غیر صرفی فعل نقش نپذیرد و قابل گسترش با ها و ی و تر و ... نباشد و به جمله ای که در آن به کار رفته توجه شود.

۵- متن «دمدمه‌های اردیبهشت، اصفهان چون شاهزاده‌ی افسون‌شده‌ی افسانه است که طلسمش را شکسته‌اند و آرام آرام از خواب بیدار می‌شود. شکوفه‌های به و بادام رؤیاهای پرپر شده‌ی اویند و بید مجنون، معشوقه‌ای است که زلف‌های خود را بر او افشانده است.» چند جمله است؟ اجزای اصلی تشکیل دهنده‌ی هر جمله به ترتیب کدام است؟

۱ پنج - سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به

مفعول

۲ پنج - سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به متمم، سه جزئی گذرا به مفعول و

متمم

۳ شش - سه جزئی گذرا به متمم، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به متمم، سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به متمم،

چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

۴ شش - سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به مسند،

سه جزئی گذرا به مفعول

۵- گزینه ی ۴

جمله‌ی اول: «اصفهان» نهاد / «چون شاهزاده‌ی افسون‌شده‌ی افسانه» مسند / «است» فعل اسنادی ← **جمله‌ی سه جزئی گذرا به مسند**

جمله‌ی دوم: «ف» نهاد / «طلسمش را» مفعول / «شکسته‌اند» فعل ← **جمله‌ی سه جزئی گذرا به مفعول**

جمله‌ی سوم: «ف» نهاد / «بیدار» مسند / «می‌شود» فعل ← **جمله‌ی سه جزئی گذرا به مسند**

جمله‌ی چهارم: «شکوفه‌های به و بادام» نهاد / «رؤیاهای پرپر شده‌ی او» مسند / «ند، هستند» فعل اسنادی ← **جمله‌ی سه جزئی گذرا به مسند**

جمله‌ی پنجم: «بید مجنون» نهاد / «معشوقه‌ای» مسند / «است» فعل اسنادی ← **جمله‌ی سه جزئی گذرا به مسند**

جمله‌ی ششم: «ف» نهاد / «زلف‌های خود را» مفعول / «افشانده است» فعل ← **جمله‌ی سه جزئی گذرا به مفعول**

توضیحات : دمدمه های اردیبهشت : قید زمان ، است : فعل اسنادی ، شکستن : گذرا به مفعول ، از خواب متمم قیدی و قابل حذف است . / می

شود : فعل اسنادی و گذرا به مسند، براو در جمله ی آخر متمم قیدی و قابل حذف است .

نکته ی ۳) متمم سه نوع است : ۱- متمم فعل ۲- متمم قیدی ۳- متمم اسم (تنها متمم فعل در اجزای جمله یک جزء به حساب می آید.)

متمم فعل :

برای تشخیص متمم فعل به این نکات باید توجه شود:

۱- متمم فعل از جمله قابل حذف نیست.

مثال : من به کنکور می اندیشم .

۲- متمم فعل در جمله یکی بیش تر نیست .

۳ - افعال گذرا به متمم دارای حرف اضافه ی اختصاصی هستند:

مصدر	حرف اضافه ی اختصاصی	مثال
اندیشیدن ، بالیدن ، برازیدن ، برخوردن ، پرداختن ، پیوستن ، تاختن ، چسبیدن ، گرویدن ، نازیدن ، نگریستن	به	من به برادر می بالم .
جنگیدن ، درآمیختن ، ساختن ، ستیزیدن ، آمیختن (مخلوط شدن)	با	رستم با اسفندیار جنگید .
پرهیزیدن ، ترسیدن ، رنجیدن ، گذشتن	از	انسان باید از معاصی بپرهیزد .
گنجیدن	در	این مطلب در ذهن او نمی گنجد .
شوریدن	بر	مردم بر ضد ضحاک شوریدند .

مثال کنکور سراسری سه سال اخیر :

۱- اجزای تشکیل دهنده ی جمله ی زیر با کدام جمله هماهنگ است؟

«در مباحث مختلف، به مناسبت، گاه به عبارات یا صفحاتی چند از صاحب نظران مردم شناسی برمی خوریم.»

۱ ادب پایداری با دعوت به مبارزه، ترسیم چهره های بیدادگر، ستایش آزادی و آزادی و ... مرزهای قومی را می شکافد.

۲ این گونه چشم انداز به ابعاد نگرش انسانی موجود در ادب مقاومت، حوزه ی آن را از سایر آثار ادبی متمایز می کند.

۳ نویسنده در این بخش به موضوع فروخته شدن عموم به آخرین ارباب او و رخداد های پایانی زندگی او می پردازد.

۴ چنین آثاری را نمی توان به صورت یک شعار مستقیم و قالب خاص ملی در گستره ی ادبیات پایداری گنجاند.

۱- گزینه ی ۳

اجزای عبارت صورت سؤال یک جمله ی **سه جزئی گذرا به متمم** را نشان می دهد:

در مباحث مختلف (متمم قیدی)، به مناسبت (متمم قیدی)، گاه (قید) به عبارات یا صفحاتی چند (متمم فعلی)، از صاحب نظران مردم شناسی (متمم اسمی)، برمی خوریم (فعل گذرا به متمم)

گزینه ی «۳»: نویسنده (نهاد)، در این بخش (متمم قیدی)، به موضوع فروخته شدن عموم به ... (متمم فعل (اجباری)) می پردازد (فعل گذرا به متمم) ← **جمله ی سه جزئی گذرا به متمم**

گزینه ی «۱»: ادب پایداری (نهاد)، با دعوت به مبارزه ... (متمم قیدی) مرزهای قومی را (مفعول)، می شکافد (فعل گذرا به مفعول) ← جمله ی سه جزئی گذرا به مفعول

گزینہ ی «۲»: این گونه چشم انداز به ... (نهاد)، حوزه ی آن را (مفعول)، از سایر آثار ادبی (متمم اسمی)، متمایز (مسند)، می کند (فعل اسنادی).
— جمله ی چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند

دقت کنید که «متمایز می کند» را فعل مرکب به شمار نیاورید زیرا متمایز نقش می پذیرد .
گزینہ ی «۴»: چنین آثاری را (مفعول)، نمی توان (بخشی از فعل)، به صورت یک شعار مستقیم و ... (متمم قیدی)، در گستره ی ادبیات پایداری (متمم فعلی)، گنجاند (فعل گذرا به مفعول و متمم)

توضیحات :

در عبارت صورت سوال فعل « برمی خوریم » که از افعال دارای حرف اضافه ی اختصاصی به است به کار رفته و جمله نیازمند متمم فعل می باشد. پرداختن در گزینہ ی ۳ از افعالی است که با حرف اضافه ی اختصاصی به می آید و نیازمند متمم فعل است .

۲- با توجّه به متن «رودکی، در یکی از روستاهای سمرقند به نام رودک به دنیا آمده و همان جا نشو و نما یافته بود، در کودکی حافظه ی نیرومند داشت و چنان که نوشته اند در هشت سالگی قرآن را حفظ کرد و به شاعری پرداخت.» اجزای تشکیل دهنده ی جمله ی پایانی کدام است؟

- ۱- سه جزئی گذرا به متمم
۲- سه جزئی گذرا به مسند
۳- چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم
۴- چهار جزئی گذرا به متمم و مسند

۲- گزینہ ی ۱

جمله ی پایانی، سه جزئی گذرا به متمم است زیرا «پرداختن» در این جمله، تنها به حرف اضافه ی «به» نیاز دارد.

(رودکی) به شاعری پرداخت.

نهاد محذوف متمم فعل

توضیحات :

به دنیا آمدن فعل مرکب است در یکی از روستاهای سمرقند به نام رودک متمم فعل و جمله سه جزئی گذرا به متمم است . نشو و نما یافته بود فعل مرکب و ماضی بعید و جمله دو جزئی است . در کودکی حافظه ای نیرومند داشت . داشتن فعل گذرا به مفعول است نوشته اند گذرا به مفعول است حفظ کرد فعل مرکب و گذرا به مفعول است در هشت سالگی متمم قیدی است .

متمم قیدی :

۱- از جمله قابل حذف است .

۲- تعداد متمم های قیدی را می توان افزایش داد . مثال : من با اتوبوس به مدرسه رفتم .

متمم اسمی : گروه اسمی که با حرف اضافه به همراه اسم می آید و توضیحی به آن می افزاید: مثال : علاقه ی او به نقاشی زیاد است . (علاقه به نقاشی) / نکته : واژه هایی از قبیل « تسلط ، نیاز ، مهارت ، مصاحبه و... » نیازمند متمم اسم هستند .

نکته ۴) برای تشخیص جمله های سه جزئی گذرا به متمم باید جدول افعال مربوطه را حفظ باشید.

نکته ی ۵) جمله های سه جزئی گذرا به مسند با فعل های اسنادی « است ، بود ، شد ، گشت ، گردید » به کار می روند. گاهی مسند ، به صورت حرف اضافه و متمم می آید : مثال : فلانی از ساکنان این محل است .

مثال کنکور سراسری سه سال اخیر :

۱- عبارت «به علت تلفیقی بودن روش برنامه ریزی درسی، قواعد و شناخت زبان فارسی و کاربرد درست آن به گونه‌ای در هم تنیده، ارائه و ارزش یابی می‌شود.» چند جزئی است؟

- ۱ سه جزئی گذرا به متمم
- ۲ سه جزئی گذرا به مسند
- ۳ چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم
- ۴ چهار جزئی گذرا به متمم و مسند

۱- گزینه ی ۲

«قواعد و شناخت زبان فارسی و کاربرد ...» نهاد، «ارائه و ارزش یابی» مسند، «می‌شود» فعل ← سه جزئی گذرا به مسند

توضیحات :

عبارت « به علت تلفیقی بودن روش برنامه ریزی درسی » متمم قیدی است و فعل « شد » از افعال اسنادی و گذرا به مسند است .

۲- عبارت «دو شاعر پر آوازه، یعنی سعدی و حافظ پیش از خواجه و پس از وی، از جهت الهام گیری و الهام بخشی، برای این شاعر عارف کرمانی در خور توجه شایان هستند.» چند جزئی است؟

- ۱ سه جزئی گذرا به متمم
- ۲ سه جزئی گذرا به مسند
- ۳ چهار جزئی گذرا به متمم و مسند
- ۴ چهار جزئی گذرا به متمم و مفعول

۲- گزینه ی ۲

در فارسی امروز، تنها فعل‌های دو مصدر «بودن» و «شدن» و هم‌معنی‌های «شدن» مثل «گشتن» و «گردیدن» و دیگر مشتق‌های آن (مانند است، می‌باشد، می‌شود و ...) علاوه بر نهاد، مسند هم می‌گیرند و جمله‌های سه جزئی مسنددار می‌سازند.

دو شاعر پر آوازه (نهاد) / درخور توجه شایان (مسند) / هستند (فعل اسنادی)

توضیحات :

عبارات «از جهت الهام گیری و الهام بخشی ، برای این شاعر عارف کرمانی » متمم فعل نیستند و از اجزای اصلی جمله به شمار نمی آیند.

۳- کدام عبارت، سه جزئی گذرا به مسند است؟

- ۱ نویسندگان بزرگ ابوالفرج رونی، سید حسن غزنوی، سعدی، مولوی و عده‌ای دیگر را از نمایندگان سبک عراقی به شمار می‌آورند.
- ۲ از جمله نمایندگان سبک خراسانی، رودکی، شهید بلخی، دقیقی، فرخی سیستانی و عنصری، منوچهری دامغانی را می‌توان نام برد.
- ۳ هدف فردوسی از تدوین شاهنامه، گذشته از احیای زبان فارسی، تقویت روحیه مبارزه جویی با بیگانگان و مقاومت در برابر دشمنان بوده است

۴- بعد از دهخدا برخی از شاعران معاصر او از قبیل ملک الشعرای بهار و ابوالقاسم لاهوتی و دیگر شاعران متجدد به ساختن دوبیتی‌های پیوسته، پرداختند.

۳- گزینه ی ۳

در فارسی امروز، تنها فعل‌های دو مصدر «بودن» و «شدن» و هم معنی‌های «شدن» مثل «گشتن» و «گردیدن» و دیگر مشتق‌های آن (مانند: است، می‌باشد، می‌شود و) علاوه بر نهاد، مسند هم می‌گیرند و جمله‌های سه جزئی مسنددار می‌سازند.

هدف فردوسی، از تدوین شاهنامه (متمم اسم)، گذشته از احیای زبان فارسی (متمم اسم)، تقویت روحیه‌ی مبارزه‌جویی با بیگانگان و ... بوده است.

نهاد مسند فعل

گزینه‌ی «۱»: جمله‌ی چهار جزئی گذرا به مفعول و مسنداست.

گزینه‌ی «۲»: جمله‌ی چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند است.

گزینه‌ی «۴»: جمله‌ی سه جزئی گذرا به متمم است.

توضیحات :

در گزینه‌های ۱ و ۲ به شمار آوردن و نام بردن از افعال گذرا به مفعول و مسند است و مسند به صورت حرف اضافه و متمم در این عبارات به کار رفته است. در گزینه ی ۴، پرداختن از افعال دارای حرف اضافه ی اختصاصی است.

نکته ۶) جمله‌های چهارجزیی گذرا به مفعول و متمم با فعل‌های گذرا به مفعول و متمم به کار می‌روند که همراه با این فعل‌ها علاوه بر حرف نشانه‌ی «را» یک حرف اضافه ی اختصاصی نیز به کار می‌رود.

مصدر برخی از این افعال عبارت است :

مثال	حرف اضافه اختصاصی	مصدر
من درس را به دانش آموزان تعلیم دادم .	به	آموختن (تعلیم دادن) ، آویختن (وصل کردن ، نصب کردن) ، افزودن ، آلودن ، بخشیدن ، پرداختن ، پیوستن ، چسباندن ، سپردن ، فروختن ، گفتن ، دادن
من کاغذ را با موم اندودم .	با	اندودن ، آمیختن (مخلوط کردن) ، سنجیدن
او کودک را از دزد ترساند .	از	پرسیدن ، ترساندن ، خریدن ، دزدیدن ، ربودن ، رهاندن ، شنیدن ، کاستن ، گرفتن ، آموختن (فرا گرفتن)
لباس را در کمد گنجاندم .	در	گنجاندن

مثال کنکور سراسری سه سال اخیر :

- ۱- با فعل‌های ساخته شده از کدام گروه مصدرها، حرف نشانه‌ی «را» همراه با حرف اضافه‌ی اختصاصی «به» می‌آید؟
- ۱ بخشیدن، پیوستن، ترسیدن، بالیدن
۲ آلودن، بخشیدن، چسباندن، افزودن
۳ اندیشیدن، آلودن، پرداختن، نازیدن
۴ افزودن، ساختن، درآمیختن، چسباندن

۱- گزینه ی ۲

فعل‌های ساخته شده از گروه مصدرهای «آلودن، بخشیدن، چسباندن، افزودن» علاوه بر حرف نشانه‌ی «را» به حرف اضافه‌ی اختصاصی «به» هم نیاز دارند.

۲- اجزای تشکیل دهنده‌ی جمله‌ی پایانی عبارات زیر کدام است؟

«شب، همه رنگ‌ها را یکسان کرده، به همه چیز صورت یک رنگ بخشیده، با سرانگشتان خود آرام مژگان مرا بر هم نهاده و آخرین ذره‌ی امید مرا به آب خاموشی داده است.»

- ۱ سه جزئی گذرا به مفعول
۲ سه جزئی گذرا به متمم
۳ چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند
۴ چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

۲- گزینه ی ۴

(-) نهاد / آخرین ذره‌ی امید مرا «مفعول» / «به آب خاموشی» متمم / «داده است» فعل - جمله چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم

توضیحات :

فعل داده است در این جمله فعل ساده و ماضی نقلی است که هم نیازمند مفعول است و هم دارای حرف اضافه‌ی اختصاصی به است. شب همه‌ی رنگ‌ها را یکسان کرده چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند است و یکسان نقش مسندی دارد و کرد به معنای گرداند فعل اسنادی است. به همه چیز صورت یک رنگ بخشیده. بخشیده گذرا به مفعول و متمم است و دارای حرف اضافه‌ی اختصاصی و حرف نشانه‌ی را است. با سرانگشتان متمم قیدی مژگان مرا مفعول بر هم نهاده فعل گذرا به مفعول است.

نکته ۷) عمده فعل‌های جمله‌های چهار جزئی با مفعول و مسند عبارت اند از :

مصدر	مثال
گردانیدن (گذرای سببی گشتن و گردیدن) و فعل‌های هم معنی آن : نمودن ، کردن ، ساختن	او ما را آگاه می سازد. (ساختن به معنای گرداندن فعل اسنادی است .)
نامیدن و فعل‌های هم معنی آن : خواندن ، گفتن ، صدا کردن / زدن	من نام او را حسین خواندم . (خواندن در معنای نامیدن فعل اسنادی است .)
شمردن و فعل‌های هم معنی آن : به شمار آوردن ، به حساب آوردن	من او را انسان وارسته ای می شمردم .

پنداشتن و فعل های هم معنی آن : دیدن ، دانستن ، یافتن	او را فرد با درایتی یافتم .
--	-----------------------------

نکته ی ۸) به انواع فعل برای تشخیص اجزای جمله توجه کنید.

ساختمان فعل

۱ - فعل مرکب : بن مضارع آن حداقل دو تکواژ دارد. مانند : قرار دادیم ← قرار ده .

۲ - فعل ساده : بن مضارع آن فعل یک تکواژ آزاد است . مانند : دیدم ← بین .

۳ - فعل پیشوندی : بن مضارع آن یک وند هم دارد . مانند : در رفتم ← در رو .

توضیحات	ساختمان فعل	جمله
«مطالعہ» متمم و قید و مفعول نیست. مسند هم نیست چرا که «کرد» فقط به معنای «گرداند» فعل اسنادی است.	مرکب	او دیشب ساعت ها کتابش را مطالعه کرد.
«مطالعہ» مفعول است . «کردن» به معنای «انجام دادن» مفعول می خواهد.	ساده	او دیشب ساعت ها مطالعه کرد .
«زمین» متمم یعنی به زمین خورد .	ساده	دوستم دیروز در حیاط مدرسه زمین خورد .
«چشم پوشیدم» فعل کنایی است و مرکب است. (فعل های کنایی مرکب هستند .)	مرکب	از خطای تو چشم پوشیدم .
بالا ← قید	ساده	هنگام مد آب دریا بالا می آید.
دیده شده است از مصدر دیدن است . (فعل های کمکی تأثیری در ساختمان فعل ندارند.)	ساده	او دیده شده است .

مثال کنکور سراسری سه سال اخیر:

۱- عبارات «نقش ها و رنگ ها، گویی بیننده را زیر بغل می زنند و با خود می برند، سبک و آرام، احساس سرگیجه ای لطیف است و به همراه شمشه ها و دایره ها و مقرنس ها گویی بر پله های ابر پا نهاده ای» چند جمله است؟ اجزای اصلی هر جمله به ترتیب کدام است؟

- ۱ چهار - چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند، سه جزئی گذرا به مفعول، دو جزئی ناگذر، سه جزئی گذرا به متمم
- ۲ چهار - سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مسند، سه جزئی گذرا به مفعول
- ۳ پنج - سه جزئی گذرا به متمم، سه جزئی گذرا به مفعول، دو جزئی ناگذر، دو جزئی ناگذر، سه جزئی گذرا به متمم
- ۴ پنج - سه جزئی گذرا به مفعول، دو جزئی ناگذر، دو جزئی ناگذر، سه جزئی گذرا به مفعول، سه جزئی گذرا به مفعول

۱- گزینه ۲

عبارات چهار جمله است.

جمله ی اول: «نقش‌ها و رنگ‌ها» نهاد، «بیننده را» مفعول، «زیر بغل می‌زنند» فعل ← **جمله ی سه جزئی گذرا به مفعول**

جمله ی دوم: نهاد و مفعول حذف شده‌اند، «می‌برند» فعل ← **جمله ی سه جزئی گذرا به مفعول**

جمله ی سوم: «-» نهاد، «احساس سرگیجه‌ای لطیف» مسند، «است» فعل ← **جمله ی سه جزئی گذرا به مسند**

جمله ی چهارم: «-» نهاد، «پا» مفعول، «نهاده‌ای» فعل ← **جمله ی سه جزئی گذرا به مفعول**

توضیحات: در جمله ی اول زیر بغل می‌زنند فعل مرکب است و جمله گذرا به مفعول است. می‌برند در جمله ی دوم فعل ساده است و با خود متمم قیدی است. سبک و آرام قید و است در جمله ی سوم فعل اسنادی است. در جمله ی چهارم نهاده ای فعل ساده و پا مفعول است.

۲- اجزای اصلی تشکیل‌دهنده ی کدام عبارت، در مقابل آن، نادرست است؟

۱ او در عصر ما در کسوت یک مهاتما گاندی مسلمان، منادی یک حیات تازه برای تمام عالم می‌شد. (سه جزئی گذرا به مسند)

۲ این فقر اختیاری را بر مکتب و تجمل رایج در دستگاه صدرالدین، شیخ‌الاسلام شهر **ترجیح می‌داد**. (چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند)

۳ درگیری داریم در تنازع برای بقا را، در سلوک راه کمال، انحراف از خط سیر روحانی و امری خلاف شأن انسانی تلقی می‌کرد. (چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند)

۴ در دنیای ما، پرخوری و تجمل‌گرایی کمترین‌ه‌ی مردم برای بیش‌ترین‌ه‌ی آن‌ها جز گرسنگی و بینوایی راه دیگر باقی نمی‌گذارد. (سه جزئی گذرا به مفعول)

۲- گزینه ی ۲

او (نهاد محذوف)، این فقر اختیاری را (مفعول)، بر مکتب و تجمل رایج ... (متمم)، ترجیح می‌داد (فعل) ← **چهار جزئی گذرا به مفعول و متمم**

گزینه ی «۱»: او (نهاد)، منادی یک حیات تازه (مسند)، می‌شد (فعل اسنادی) ← سه جزئی گذرا به مسند

گزینه ی «۳»: او (نهاد محذوف)، درگیری دائم در تنازع برای بقا را (مفعول)، انحراف از ... و امری خلاف شأن انسانی (مسند)، تلقی می‌کرد (فعل اسنادی) ← **چهار جزئی گذرا به مفعول و مسند**

توجه: «از خط سیر روحانی» متمم اسم برای واژه ی انحراف است. / «تلقی می‌کرد» در معنای «می‌پنداشت» فعل اسنادی است.

توضیحات:

فعل **ترجیح می‌داد** مرکب و دارای حرف اضافه ی اختصاصی **بر** و حرف نشانه ی **را** است.